

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٥٢١٩



دانشکده اصول الدین

تهران

گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد

موضوع:

بررسی ارتباط «خاتمیت» با «امامت»
از دیدگاه قرآن و سنت

استاد راهنما

دکتر غلام حسین تاجری نسب

استاد مشاور

دکتر منصور پهلوان

نگارش

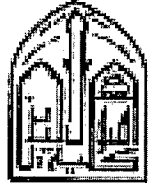
مریم رفیعی پور علوی

۱۰۵۶۱۹

نیمسال: دوم سال تحصیلی: ۸۶ - ۱۳۸۵

کتابخانه
دانشکده اصول الدین
تهران

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۶



كلية اصول الدين

طهران

قسم: علوم القرآن و الحديث

رسالة الماجستير

عنوانها:

دراسة العلاقة بين ختم النبوة و الامامة
في القرآن و السنة

الاستاذ المشرف

الدكتور غلام حسين تاجري نسب

الاستاذ المشاور

الدكتور منصور بهلوان

اعداد

مريم رفيعى بور علوى

السنة

١٤٢٧

تقدیم

تقدیم به مولای پنهان از نظر، خورشید رخ کشیده در پس
ابر، هموکه قلب عالم امکان است و مظهر رحمت بیکران،
حضرت حجة بن الحسن العسکری - عجل الله تعالی فرجه
الشریف.

ای عزیز، ما و کسانمان را زیان و سختی فرا گرفته و با
مایه‌ای اندک آمده‌ایم. پیمانمان را تمامت بده و بر ما بیخشای
که خداوند بخشنندگان را پاداش دهد (یوسف / ۸۸).

پژوهش حاضر را چون ران ملخی به بارگاه سلیمان زمان
تقدیم می‌دارم. ای عزیز مهربان، از تو عنایت و توجه در دنیا و
شفاعت در آخرت، برای خود، پدر و مادر، همسر و فرزندانم و
کسانی که حقی بر من دارند را درخواست می‌نمایم؛ چرا که تو
خود فرموده‌ای: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِيْنَ
لذکرکم.»

سپاسگزاری

حمد و سپاس بی‌کران خدای جهانیان را سزاست؛ از ژرفای دل او را سپاس می‌گوییم که فرصت درکی هرچند مختصر از معارف قرآن و علوم اهل بیت علیهم‌السلام را روزی این حقیر گرداند. درود و سلام بر برگزیده عالمیان، خاتم پیام‌آوران الهی، حضرت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دودمان پاکش.

و سپاس از مؤسس محترم دانشکده اصول دین، علامه بزرگوار سید مرتضی عسکری که با عنایت و دوراندیشی خویش امکان تحصیل و تحقیق در این حوزه را برای طالبان علوم قرآن و حدیث فراهم ساختند.

تقدیر و تشکر فراوان از استاد محترم راهنما، جناب آقای دکتر تاجری‌نسب که با راهنمایی ایشان موضوع این رساله انتخاب گردید و پس از آن با دقت نظر و شکیبایی در جلسات متعددی با ارائه مطالب مفید و ارزنده مرا یاری دادند؛ و نیز سپاسگزاری از استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر پهلوان که با ارشادات ارزنده خود اینجانب را در طریق تکمیل و بهبود رساله مساعدت نمودند.

همچنین سپاس و قدردانی از همسرم که فداکاری و حمایت بی‌دریغ او تکیه‌گاه محکمی برایم بوده است؛ و پدر و مادرم که در سایه مهرشان بالیدم و به کمال رسیدم؛ و گل‌های زندگی‌ام که اگر نبود صبوری و یاری ایشان، این اثر به انجام نمی‌رسید.

چکیده

در دوران معاصر خاتمیت پیامبر اسلام ﷺ با تحلیل‌ها و تفاسیر جدیدی روبه‌رو شده است. بعضی از نویسندگان در تحلیل خاتمیت بر این باورند که از این پس وظیفه هدایت بشر بر عهده عقل و علم است؛ در صورتی که لازمه چنین تحلیلی ختم دیانت است نه ختم نبوت. در نگاه برخی دیگر با به پایان رسیدن نبوت، ولایت و عصمت نیز خاتمه می‌یابد و بنابراین خاتمیت به این معنا با امامتی که شیعه بدان معتقد است در تعارض می‌باشد. در حالی که چنین تحلیلی از خاتمیت مطابق آموزه‌های اسلامی و دینی نیست و در حقیقت پا را فراتر از ختم نبوت نهادن است؛ چراکه ولایت و عصمت منحصر به پیامبری نیست تا در صورت ختم نبوت، ختم عصمت و ختم ولایت نیز لازم آید.

بر اساس آیات قرآن و روایات متواتر، خاتمیت پایان یافتن بعثت پیام‌آوران الهی است و از این پس هیچ پیامبری نخواهد آمد و باب وحی تشریحی بر روی بشر بسته شده است. لیکن خاتمیت به معنای وانهاده شدن امت اسلام به حال خود و عقیم ماندن اهداف والای رسالت نیست، به دلیل آنکه خاتمیت پیامبری ملازم با کمال دین اسلام است و کمال اسلام با تعیین امام همراه است. پیامبرگرامی اسلام ﷺ گرچه همه حقایق دین را از طریق وحی دریافت کرد و تمام قرآن را برای مردم قرائت نمود، اما تفسیر و تبیین تمام عقاید و احکام و آموزه‌های دینی در آن فرصت کوتاه به علت ناتوانی و عدم قابلیت مردم، میسر نبود. از این رو پیامبر ﷺ همه حقایق و معارف دین اسلام را به جانشین خود منتقل کرد تا او در فرصت‌های مناسب بر مردم عرضه کند و این علوم از امامی به امام دیگر انتقال می‌یافت. بر این مبنا با پایان پذیرفتن نبوت، امامت بستر جدیدی گردید تا فیض خداوند در آن جاری شود و اهداف نبوت

استمرار و تداوم یابد.

امامان معصوم علیهم السلام با برخورداری از علم و عصمت الهی به تبیین، تشریح و تفسیر معارف قرآن و حقایق اصول اسلامی پرداخته و با تمام توان به نشر شریعت و نگاهبانی از قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله اقدام نموده‌اند، به گونه‌ای که در پرتو وجود آن بزرگواران قرآن مصون از تحریف و تغییر مانده و از آیین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به قداست و عظمت نام برده می‌شود. از این رو است که چنانچه از امامت صرف نظر کنیم، مناقض با ضرورت و استمرار هدایت الهیه خواهد شد، و بر همین مبناست که رسول خدا صلی الله علیه و آله پیروان خویش را به قرآن و عترت سپرده و به جدایی ناپذیری آن دو از یکدیگر تا دامنۀ قیامت تصریح فرموده است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	چکیده
۱	مقدمه
۷	بخش اول: کلیات
۸	تعریف موضوع
۹	ضرورت و اهمیت موضوع
۹	مسئله تحقیق
۱۰	هدف تحقیق
۱۰	پیشینه تحقیق
۱۱	فرضیه تحقیق
۱۱	روش تحقیق
۱۲	جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق
۱۲	انگیزه تحقیق
۱۳	نتایج حاصل از تحقیق
۱۴	مصادر و منابع تحقیق
۱۴	محتوای پایان نامه
۱۷	بخش دوم: تبیین برخی تحلیل‌ها و تفاسیر از ختم نبوت
۱۸	فصل اول: خاتمیت از دیدگاه برخی نویسندگان و اندیشمندان
۱۹	الف) دکتر محمد اقبال لاهوری
۲۱	□ نقد و تحلیل نظر اقبال لاهوری در بیان استاد مطهری
۲۴	□ نقد و تحلیل نظر اقبال لاهوری در بیان دیگران

۲۸	ب) دکتر علی شریعتی
۲۹	□ نقد و تحلیل نظر دکتر شریعتی
۳۰	ج) دکتر عبدالکریم سروش
۳۶	□ نقد و تحلیل نظر دکتر سروش
۵۳	فصل دوم: خاتمیت و امامت؛ سازگاری یا ناسازگاری

۶۰ **بخش سوم: خاتمیت**

۶۱	فصل اول: مفهوم شناسی
۶۳	الف) خاتمیت در لغت
۶۶	ب) خاتمیت در اصطلاح
۶۸	ج) بررسی واژه‌های «نبی» و «رسول»
۷۲	فصل دوم: دلایل خاتمیت
۷۳	الف) دلایل نقلی
۷۳	اول - آیات قرآن کریم
۷۵	دوم - روایات معصومین <small>علیهم‌السلام</small>
۷۷	ب) دلایل عقلی
۷۷	اول - تضمین صیانت قرآن از تحریف
۷۹	دوم - جهانی بودن دعوت پیامبر اسلام و جامعیت آن
۸۱	سوم - طراوت و تازگی جاودانه قرآن
۸۲	فصل سوم: دیدگاه مذاهب اسلامی درباره خاتمیت

۸۵ **بخش چهارم: امامت**

۸۶	فصل اول: مفهوم شناسی
۸۷	الف) امام و امامت در لغت
۹۱	ب) امام و امامت در اصطلاح

۹۴	ج) بررسی واژه‌های «خلیفه»، «وصی» و «ولی»
۹۷	فصل دوم: امامان معصوم <small>علیهم‌السلام</small> دارندگان مقام ولایت
۱۰۴	فصل سوم: ضرورت امامت و رهبری در جامعه اسلامی
۱۰۹	فصل چهارم: ویژگی‌ها و شئون امام از دیدگاه شیعه
۱۱۰	الف) علم وهبی الهی
۱۱۲	اول - آگاهی و احاطه کامل به قرآن کریم
۱۱۲	دوم - از طریق پیامبر اکرم <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small>
۱۱۳	سوم - ارتباط با فرشتگان و تأییدات روح القدس
۱۱۸	ب) عصمت
۱۲۲	ج) منصوب بودن
۱۲۶	د) جمع‌آوری قراین
۱۲۷	بخش پنجم: امامت، تداوم بخش اهداف رسالت
۱۲۸	فصل اول: ارکان خاتمیت
۱۲۹	ارکان خاتمیت
۱۳۳	فصل دوم: امامت؛ شرط تحقق خاتمیت
۱۳۸	فصل سوم: نقش امامان معصوم <small>علیهم‌السلام</small> در تداوم اهداف نبوت
۱۴۱	الف) هدایت در پرتو وجود امامان معصوم <small>علیهم‌السلام</small>
۱۴۵	ب) حفظ و صیانت شریعت
۱۴۶	اول - نقش امیرالمؤمنین علی <small>علیه‌السلام</small> در حفظ و صیانت شریعت
۱۴۹	دوم - نقش سایر امامان معصوم <small>علیهم‌السلام</small> در حفظ و صیانت شریعت
۱۵۵	سوم - آثار به جای مانده از امامان معصوم <small>علیهم‌السلام</small>
۱۵۹	ج) شرح و تبیین شریعت
۱۶۴	فصل چهارم: غیبت امام مهدی (عج) سازگار با امامت

۱۷۲	نتیجه گیری
۱۷۴	پیشنهاد
۱۷۵	پیوست
۱۸۶	منابع
۱۹۴	چکیده انگلیسی

مقدمه

خدای تعالی خلق را به فضل و احسان خویش آفرید تا که عبودیت و بندگی او را به جای آورند و به کمال و سعادت ابدی رسند؛ پس آنگاه بنا به حکمتش پیام‌آوران و هادیان خود را پی‌درپی در میان انسان‌ها گسیل داشت. پیامبران با هدف برانگیختن عقل و فطرت، برقراری قسط و عدالت، به کمال رساندن فضایل اخلاقی و نمایاندن راه رستگاری مبعوث شدند و در این میان نقش مذکوری را ایفا می‌کنند که انسان‌های غافل را با دعوت و هشدار به آن معروف فطری فراموش شده فرا می‌خوانند^(۱) و این چنین خداوند تنها نعمت رسالت را از میان دریای بی‌کران نعمت‌های خویش شایسته منت‌گزاری بر انسان‌ها دانسته است^(۲).

سرانجام اقتضای حکمت الهی بر این قرار گرفت تا سلسله نبوت و رسالت پس از پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ خاتمه یافته و به پایان رسد.

در دوران معاصر اندیشه‌های «اقبال لاهوری» درباره ختم پیامبری، توجه بسیاری از اندیشمندان مسلمان را به خود جلب کرده و موضوع گفت‌وگویی جدی در بین آنها شده است. او در کتاب «احیای فکر دینی در اسلام» تحلیلی از ختم نبوت ارائه داده که این تحلیل از نگاه ویژه‌ی وی به اصل نبوت و وحی

۱- «فبعث فیهم رسوله وواتر إلیهم أنبیاءه لیستأدوهم میثاق فطرته و یذکروهم منسی نعمته و یحتجوا علیهم بالتبلیغ و یشیروا لهم دفائن العقول» (نهج البلاغه، خطبه ۱، ص ۳۳).

۲- ال عمران / ۱۶۴.

نشأت می‌گیرد. در بیان حقیقت وحی، آن را از سنخ غریزه دانسته است، و تاریخ بشر را به دو دوره غریزه (کودکی) و دوره خرد استقرایی (بزرگسالی) تقسیم می‌کند. از نظر اویشت پیامبران به دوره حاکمیت غرایز مربوط است، و با ظهور دوره خرد استقرایی و بلوغ بشر، دیگر حاجتی به ارسال پیامبران نیست. منبع الهام پیامبر یعنی وحی، مربوط به دوره غرایز و روح الهام وی که دعوت به عقلانیت و تأمل در تاریخ و طبیعت است به دوره بلوغ بشر و ظهور عقل استقرایی ارتباط دارد. در این مرحله بشر به چنان رشدی رسیده که دیگر نیازی به پیامبران نیست و وظیفه هدایت بشر به عهده عقل است^(۱).

در این میان دانشوری چون «دکتر شریعتی» با تأثیرپذیری از اقبال قرائتی شیعه‌گونه از خاتمیت ارائه داده است. او نظریه اقبال را پذیرفته و تنها یک نکته به آن افزوده که زمان ختم رهبری را دویست و پنجاه سال دیرتر اعلام می‌کند^(۲).

در تحلیل خاتمیت اگر تنها به یافته‌های ذهنی بسنده کنیم نتیجه آن می‌شود که یکی جشن تولد عقل استقرایی و آزادی آن را هم‌زمان با خاتمه یافتن پیامبری برپا می‌کند و دیگری که در فضای تفکر شیعی می‌اندیشد تولد آن را دویست و پنجاه سال دیرتر جشن می‌گیرد. این چنین تحلیلی از خاتمیت، خواه ناخواه به ختم دیانت منجر می‌گردد؛ زیرا بشر هرچند که در بلوغ فکری و امدار پیامبران است ولی می‌تواند به آرمان‌های آنها وفادار نماند. همچنین مطابق آموزه‌های اسلامی عقل بشر اگرچه پیامبر درونی است، ولی همواره نیازمند نورافشانی پیامبران بیرونی است، و هر اندازه راه کمال را بییماید همچنان به هدایت‌های وحیانی نیازمند است.

در سال‌های اخیر «آقای دکتر سروش» تفسیری تازه از خاتمیت ارائه داده است. تحلیل آقای سروش از خاتمیت این است که پیامبر آخرین شخصیت حقوقی است و پس از او دوران پیامبرپروری تمام شده و از این پس سخن کسی تکلیف‌آور نیست و باب ولایت و نبوت برای همیشه بسته شده است^(۳). این در حالی است که آقای سروش تأکید دارد که خاتمیت مدعای درون دینی است^(۴).

۱- احیای فکر دینی در اسلام، ص ۱۴۶-۱۴۳.

۲- ر.ک: شیعه (شریعتی)، ص ۲۴۸.

۳- بسط تجربه نبوی، ص ۱۳۷.

۴- همان، ص ۱۱۵ و ۱۴۸.

از نظر آقای سروش تجربه پیامبران و عارفان یک گونه است ولی در تجربه پیامبری، گویی پیامبر چنین می بیند که کسی در دل او پیام هایی را می خواند و او را مکلف و موظف به ابلاغ می کند؛ از این رو او با یک نوع احساس دلیری و اطمینان در برابر همه سختی ها می ایستد تا وظیفه خود را به انجام رساند. با ختم نبوت این احساس ابلاغ و مأموریت به پایان می رسد ولی اصل تجربه همچنان باقی است^(۱).

آقای سروش در سخنرانی مورخه ۳ مرداد ۸۴ در دانشگاه سورین به صراحت بیان داشته که امامت به گونه ای که شیعه بدان معتقد است موجب رقیق و کم رنگ شدن خاتمیت و بلکه ناقض و نافی آن است^(۲). به نظر ایشان امامت را شرط کمال دین شمردن و عقیده به امام منصوب، معصوم و مفترض الطاعة که از وحی باطنی برخوردار است، ناسازگار با خاتمیت پیامبر اسلام می باشد و اینچنین باورهایی تراوش ذهن غالبان شیعه است^(۳).

خاتمیت موضوعی درون دینی است که معارف اسلامی ما پرده از این حقیقت برداشته اند، از این رو در تعریف خاتمیت و فهم آن باید به متون دینی و آموزه های اسلامی مراجعه کرد.

اندیشه ختم نبوت و پایان یافتن زنجیره رسالت از اصول مسلم و ضروری دین اسلام است^(۴). آیاتی پر شمار از قرآن کریم به صراحت یا اشارت به موضوع خاتمیت دلالت دارند. آیاتی که از جهانی بودن دعوت اسلام سخن می گویند و کمالش را بیان می کنند به گونه ای جاودانگی آن را نیز نشان می دهند. صریح ترین آیه ای که در آن از خاتمیت سخن رفته، آیه چهارم از سوره مبارکه احزاب است:

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ
كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً.

محمد ﷺ پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست ولی رسول خدا و

ختم کننده و آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است.

موضوع خاتمیت در روایات نیز جایگاه ویژه ای دارد. رسول خدا ﷺ بارها این حقیقت را بر زبان

۱- بسط تجربه نبوی، ص ۵-۳.

۲- سایت www.dr.soroushleclture.com

۳- همان.

۴- میراث اسلامی ایران، دفتر ششم (رساله واجب الاعتقاد علی جمیع العباد: علامه حلی)، ص ۵۲.

آورده و خود را خاتم پیامبران و رسولان معرفی کرده‌اند.

از سوی دیگر خاتمیت، به معنای انقطاع فیض الهی و قطع رابطه معنوی آسمان و زمین نیست^(۱)؛ بلکه امامت رشته‌ای است که این ارتباط را به صورتی دیگر تداوم می‌بخشد و آن را برای تمامی اعصار تا دامنه قیامت محکم و پایرجا نگاه می‌دارد^(۲). زنجیره حجت‌های الهی در ساختار امامت نمود می‌یابد و خداوند حکیم با ارزانی داشتن آن، نعمت‌های خویش را بر امت اسلامی به اتمام می‌رساند^(۳).

امامت یکی از ارکان اعتقادی مذهب شیعه است و به موجب آن، «امام» به عنوان جانشین پیامبر اسلام ﷺ دارای علم وهبی الهی است، و برخوردار از عصمت و الهام خداوندی می‌باشد. با نصب الهی از سوی پیامبر اکرم ﷺ به این مقام برگزیده شده و همه شئون ارشادی پیامبر ﷺ به او منتقل گشته است؛ تنها نزول وحی و آوردن شریعت به عنوان مختصات پیامبران از امام استثنا شده است.

امامت محور و سامانه امت اسلامی است که نادیده گرفتن آگاهانه آن یا حذف ناآگاهانه‌اش هویت جامعه اسلامی را متزلزل خواهد ساخت؛ از این رو مادام که امت برجاست به امام نیازمند است. به همین علت معرفت و شناخت صحیح امام به عنوان جانشین پیامبر ﷺ از سوی خداوند متعال بر مسلمانان ضروری و لازم است؛ که اگر کسی امام را نشناسد طعم ایمان را نخواهد چشید و گمراه از دنیا خواهد رفت. از این رو است که رسول خدا ﷺ در جای جای زندگی خویش به امامت امیرالمؤمنین علیؑ تصریح کرده که مهم‌ترین آنها رخداد غدیر است. بر همین اساس امامت در نزد شیعه، تداوم نبوت و جانشینی پیامبر در تبیین شریعت و هدایتگری امت است. امامان معصوم با علم و عصمتی که خداوند به آنها افافضه فرموده و آگاهی و احاطه کامل بر قرآن کریم و درس‌آموزی از پیامبر ﷺ و نیز برخورداری از الهام الهی و تأییدات روح القدس اهداف نبوت را استمرار و تداوم می‌بخشند.

وظیفه امامان معصومؑ تبیین و توضیح آموزه‌های قرآنی است. آنان هیچ‌گاه حکمی بر خلاف قرآن صادر نکرده و به صراحت اظهار داشته‌اند که هر آنچه حکم می‌کنیم بر اساس کتاب خدا و سنت است^(۴).

۱- القدر / ۴.

۲- «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي - اهل بيتي...» صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۳؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۷؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۰۰ و ج ۵، ص ۲۱.

۳- المائده / ۳.

۴- بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۰۳.

عقیده بر خاتمیت دارای ارکانی است و رکن اصلی آن قرآن کریم می‌باشد. این کلام ویژه الهی مشتمل بر ظرایف و دقایق فراوان و حقایق عمیق و مکتوم است؛ بنابراین وجود آموزگاری الهی واقف به این ظرایف و حقایق پرمایه و پنهان ضرورت دارد. قرآن کریم بر عصمت و حجیت امامان معصوم علیهم‌السلام و لزوم پیروی از آنها به عنوان رکن دیگری از خاتمیت تأکید دارد. عقل و حجیت و محوریت آن نیز به عنوان منبعی از منابع دین در کنار کتاب خدا و سنت رسول و اهل بیت علیهم‌السلام، رکن دیگری از خاتمیت دین اسلام را محقق کرده است. کاربرد عقل از این جهت همانند فایده نور در ارائه واقعیات است.

اصل وجود امامان معصوم علیهم‌السلام به عنوان یکی از ارکان خاتمیت نه تنها ضرورت جامعه اسلامی است که آن بزرگواران پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با برخورداری از مقام ولایتی که خداوند به آنان اعطا نموده است رهبری و هدایت جامعه اسلامی را بر عهده دارند. در حقیقت گرچه نبوت به پایان رسیده ولی برقراری اهداف پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از دریچه امامت امکان پذیر گشته است.

امامت بستر تحقق هدایت الهی است و امام در این میان واسطه رساندن فیض هدایت به بندگان است؛ از این رو چنانچه از امامت صرف نظر نماییم. مناقض با ضرورت و استمرار هدایت الهی از جانب پروردگار می‌باشد. به عبارت دیگر امامت شرط محقق شدن خاتمیت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. مؤید این سخن، کلام شیخ بزرگوار صدوق علیه‌السلام است که می‌گوید: «خداوند پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رشته رسولان را گسسته و برای ما هادیانی از عترت او معین فرموده و آنها را قرین قرآن قرار داده است و به ما فرمان داده که به آنها متمسک شویم و اگر چنین نبود حکمت الهی اقتضا می‌کرد که تا انقضای تکلیف از ما رسولان را بفرستد (۱)».

امامان معصوم علیهم‌السلام با عزمی راسخ و مجاهدتی خستگی ناپذیر در طول تقریبی سه قرن به تبیین، تشریح و تفسیر معارف قرآن و حقایق اصول اسلامی پرداخته و بدین وسیله در نشر شریعت و پاسداری و صیانت از دین اسلام و سنت پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حداکثر کوشش و تلاش خود را به کار بردند؛ به گونه‌ای که بقا و نشر فرهنگ اسلام که امروزه در دست مسلمانان، اعم از شیعه و سنی هست، در نتیجه اقدامات و خدمات ائمه اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. در پرتو وجود آن بزرگواران است که قرآن کریم مصون از تحریف

۱- ر.ک: کمال الدین، ج ۲، ص ۵۷۸-۵۷۳.

و تغییر مانده و از آیین پیامبر اسلام ﷺ به عظمت و قداست نام برده می‌شود و فرهنگ غنی اسلام مورد توجه و اقبال قرار می‌گیرد. در مواردی نیز که برخی پندارها و اندیشه‌های ناروا درباره اسلام به چشم می‌خورد ناشی از کنار گذاشتن امامان علیهم‌السلام است.

پرورش یافتگان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نیز همگام با امامانشان به نشر معارف حقیقی و اصیل اسلام اقدام نمودند و با حفظ موارث اهل بیت و بهره‌گیری از قرآن کیان دین و شریعت را نگاهبانی کردند. روشنگری‌های معصومین علیهم‌السلام از پیامبر ﷺ تا امام عسکری علیهم‌السلام، جهت آماده‌سازی شیعه برای ورود به عصر غیبت از بخش‌های انکارناپذیر تاریخ اسلام و تشیع است. آن بزرگواران ابعاد مختلف شخصیت امام مهدی علیهم‌السلام را به مردم معرفی نموده و اوصافش را برشمرده‌اند. از این رو، غیبت امام عصر - عجل‌الله تعالی فرجه - نه تنها به اصل امامت خدشه‌ای وارد نمی‌سازد که اگر تا به این دوران دین اسلام پایرجاست به واسطه هدایت و رهبری ایشان در پس پرده غیبت است. در حقیقت شأن هدایتی امامان معصومین علیهم‌السلام تنها با حضور در جامعه برقرار نمی‌شود، بلکه این هدایت می‌تواند به صورت ایجاد یک رابطه و پیوند معنوی باشد.

وجود امام زمان - عجل‌الله تعالی فرجه - در دوران غیبت همانند خورشیدی در پس ابر است که مردمان می‌توانند در شرایط ابری هم از نعمت وجود خورشید بهره‌مند شوند^(۱). آن حضرت در دوران غیبت به شیعیان و دوستانان خویش عنایت خاصی داشته‌اند. به هنگام ضرورت با ارائه طریق‌های روشن به عالمان راستین دین آنان را یاری و مساعدت نموده و به امور لازم توصیه فرموده است؛ و با رفع گرفتاری شیعیان و توجه به امور آنان به وعده «إِنَّا غَيْرُ مَهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لَذِكْرِكُمْ»^(۲) جامه عمل پوشانده است.

۱- «وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ» (کمال‌الدین، ج ۲، ص ۲۳۹).

۲- الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۹۸.

بخش اول

کلیات

تعریف موضوع

خاتمیت: یکی از ضروریات دین اسلام، اعتقاد به پایان یافتن نبوت پس از پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ است. این اصل مسلم اسلامی مورد اتفاق همه مذاهب و فرق اسلامی است و مستند آن آیات قرآن و روایات متواتر می باشد. قرآن کریم آشکارا یادآور شده است که رسول گرامی اسلام آخرین پیامبر الهی است:

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ (۱).

محمد ﷺ پدر هیچ یک از مردان شما نیست؛ ولی رسول خدا و آخرین پیامبران است.

حدیث منزلت و بسیاری از احادیث دیگر نیز بر پایان یافتن نبوت توسط پیامبر اکرم ﷺ دلالت روشنی دارند. مطابق این اصل دین اسلام آخرین شریعت الهی، پیامبر اسلام ﷺ خاتم پیام آوران الهی و کتاب قرآن آخرین کتاب آسمانی است، و از این پس باب وحی تشریحی بر روی بشر بسته شده است. البته این به معنای قطع ارتباط با ملائکه و اخبار غیبی نیست؛ زیرا خداوند می فرماید:

تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ (۲).

فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای هر کاری نازل می شوند.

امامت: یکی از اصول اعتقادی مذهب تشیع «امامت» است و اعتقاد به آن در راستای اعتقاد به توحید، نبوت و معاد است. امامت جانشینی پیامبر اسلام ﷺ و منصبی الهی است و امام همه شئون و

۱- الاحزاب / ۴۰.

۲- القدر / ۴.

امتیازات پیامبر ﷺ را بجز مقام نبوت داراست. گستره امامت امور دنیایی و آخرتی مردم را در بر می‌گیرد و امور دینی و دنیایی مردم با نظر امام اداره و اصلاح می‌گردد. شناخت و معرفت امام و پیروی از او واجب و ضروری است.

با بسته شدن باب نبوت، امامت بستری برای تحقق اهداف نبوت می‌گردد و امامان معصوم علیهم‌السلام با تبیین شریعت و هدایتگری امت اهداف رسالت پیامبر اسلام ﷺ را استمرار و تداوم می‌بخشند. بر این اساس خاتمیت به معنای انقطاع فیض الهی و پایان یافتن هدایت نیست؛ چراکه این امر مهم از طریق امامت امکان‌پذیر می‌گردد.

ضرورت و اهمیت موضوع

از آنجا که اعتقاد به خاتمیت از امور مسلم و ضروری دین اسلام است و در نگرش شیعی نیز امامت از ارکان مذهب است و اعتقاد به آن در راستای اعتقاد به توحید، نبوت و معاد می‌باشد؛ از این رو لازم است که به عنوان یک شیعه نسبت به این دو اصل و ارتباطی که میان آنها برقرار است، آگاهی و احاطه کامل داشته باشیم تا چنانچه در مورد ارتباط میان این دو مسائل و شبهاتی مطرح گردید، قادر به پاسخ‌گویی باشیم.

مسئله تحقیق

یکی از پرسش‌های جدیدی که اخیراً ذهن برخی از نویسندگان و اندیشمندان را به خود مشغول کرده، بحث ارتباط خاتمیت پیامبر ﷺ با امامت امامان شیعه علیهم‌السلام است. در همین خصوص پرسش‌های گوناگونی مطرح گردیده که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- آیا با پایان یافتن نبوت، ولایت هم به پایان می‌رسد؟

- آیا ختم نبوت به منزله ختم عصمت، حجیت و الزام‌آور بودن سخن یک نفر برای دیگران است؟

- آیا امامت را شرط کمال دین شمردن و عقیده به امام منصوب، معصوم و مفترض الطاعة از باورهای

شیعیان غالی محسوب می‌شود؟